



۲۰۱۶/۱/۱

عبدالمجید منگل
دیپلمات سابق افغانستان در ملل متحد

وجوهات مشترک اسرائیل و پاکستان

اسرائیل و پاکستان، دو کشوری در جهان اند که از نظر تاریخی، ماهیت استعماری، استفاده ناجایز سیاسی از دین و عقاید مذهبی، سیاست های دوگانه و مداخله گرانه با همسایگان و دول دیگر، ارتکاب جرایم جنگی و بالاخره عدم رعایت متداوم اصول و مرام های منشور ملل متحد و سایر مقررات بین المللی، وجوهات مشترک و دقیقاً قابل ملاحظه دارند.

درین نوشته و تحلیل کوشش بعمل آمده تا پیرامون این (وجوهات مشترک) بر مبنای اسناد و سوابق موجود تاریخی، روشنی انداخته شود و ارزیابی ها و نتیجه گیری ها درین زمینه تا حدود امکان، آفاقی و بیطرفانه باشند.

حقیقت اینست که از روزی اسرائیل و پاکستان در چوکات پلان های استعماری دولت وقت برطانیه بمیان آورده شدند، تا حال که شصت و هشت سال از تأسیس این دو دولت میگذرد منطقه شرق میانه و نیم قاره هند دوران آرامش، صلح و ثبات دوامدار را تجربه نکرده اند. از جانب دیگر باتوجه به سیاست های ویرانگر هردو کشور که همواره تهدیداتی را متوجه صلح و امنیت منطقوی و بین المللی ساخته اند، سوال مشروعیت هردو کشور از میان نرفته است. قبل از آنکه نقش انکار ناپذیر دولت استعماری وقت، برطانیه را در تشکیل همزمان این دو دولت بیان کنیم به تفصیل وجوهات مشترک اسرائیل پاکستان می پردازیم:

۱- دولت های اسرائیل و پاکستان هردو در عین سال یعنی سال ۱۹۴۷ بدون آنکه قبلاً از خود هویت ملی، تاریخ ملی و یا قلمرو ملی جداگانه داشته باشند در چوکات پلان های استعماری دولت وقت برطانیه بروی نقشه سیاسی جهان تحمیل گردیدند. قبل ازین تاریخ البته نه اسرائیلی بود و نه کشور و سرزمینی بنام پاکستان. در واقع اسرائیل و پاکستان مانند دو طفل نامشروع از بطن استعمار انگلیس بروی عرصه جهان قدم گذاشتند.

تأسیس همزمان اسرائیل و پاکستان نیز یک امر تصادفی نبود بلکه دولت انگلیس پلانهای شوم قبلاً آماده شده خویش را زمانی در عمل پیاده نمود که تغییرات عمده سیاسی و ستراتیژیک در دو منطقه مهم جهان یعنی شرق میانه و نیم قاره هند بمیان آمده بود. این تحولات بذات خود دو (خلای عمده ستراتیژیک) را در بیلاس جهانی نفوذ و قدرت بوجود آورده بود که میتوان آنرا آغاز پروسه زوال سلطه استعماری انگلیس درین دو منطقه مهم ستراتیژیک جهان به حساب آورد. دولت انگلیس که از علایم روز افزون فروپاشی تدریجی سلطه استعماری خویش در شرق میانه و

نیم قاره هند نگران بود همه جانبه تلاش می نمود تا این دو (خلای ستراتیژیک) را بمنظور تأمین نیازمندی های آینده استعماری خویش با تشکیل دو دولت جدید اسرائیل و پاکستان پر نماید.

بنظر این قلم می توان از سه عامل مهم ذیل در بوجود آوردن این (دو خلالی ستراتیژیک) نام برد:

الف - پیروزیهای مسلسل مردم افغانستان بر علیه قشون استعماری انگلیس و سر انجام اعلام استقلال کامل افغانستان (توسط شاه امان الله غازی) در سال ۱۹۱۹. حصول استقلال کامل سیاسی افغانستان از زیر تسلط استعماری بر طانیه البته زمینه مثبت و تاثیر گذاری را در منطقه برای پیروزی مبارزات آزادی خواهی ملت هند به رهبری (مهاتما گاندی) فراهم ساخته بود.

تا جایی که به تغییرات سیاسی در شرق میانه و جهان عرب ارتباط دارد، تاثیرات انکار ناپذیر افکار و اندیشه های ضد استعماری متفکر بزرگ افغان (علامه سید جمال الدین افغان) برای بر انگیزتن احساسات آزادیخواهی مردمان عرب که تحت تسلط استعماری انگلیس و فرانسه بودند قابل یاد آور است. به این عقیده هستیم که (سید جمال الدین افغان) از جمله اولین بنیان گذاران (ناسیونالیزم عرب) در دوران سلطه استعماری انگلیس و فرانسه در منطقه بود.

ب - مبارزات پیگیر آزادیخواهی مردمان هند برهبری (مهاتما گاندی) و سایر رهبران آزادی هند از قبیل دوکتور «عبدالکلام آزاد» و (جواهر لعل نهرو) بر علیه تسلط استعماری انگلیس متکی بر اصل (عدم تشدد یا ساتیا گراها) و یا (اصرار بر حقیقت) که بالاخره منتج به آزادی هند، ولی متأسفانه تقسیم نیم قاره هند و تشکیل خونین دولت پاکستان گردید.

ج - اختیارات و صلاحیت هاییکه بعد از متلاشی شدن (امپراطوری عثمانی) در چوکات (نظام قیمومیت) از طرف جامعه ملل بتاريخ ۲۲ اگست سال ۱۹۲۲ به دولت بر طانیه درمورد اداره سرزمین فلسطین سپرده شده بود در سال ۱۹۴۸ به پایان می رسید، به همین دلیل دولت بر طانیه همه تلاشهای خود را در راه تحقق پلان (صیہونیزم جهانی) برای تشکیل دولت اسرائیل در خاک فلسطین براه انداخته بود.

۲- دولت بر طانیه بمنظور عملی نمودن پلانهای استعماری خویش برای تشکیل دولت های اسرائیل و پاکستان، از سیاسی ساختن دو دین عمده جهان یعنی (یهودیت) و (اسلام) بالترتیب برای تشکیل اسرائیل و پاکستان بحیث ابزار و وسیله استفاده نمود، بدون اینکه شرایط لازم بشمول اصل (حق خود ارادیت آزاد مردم) تحت نظارت بین المللی رعایت شود که این اصل در تشکیل هر دو دولت کاملاً نادیده گرفته شد.

۳- دولت های تازه بمیان آمده وقتی در چوکات مفهوم ماده (چهارم) منشور ملل متحد به عضویت آن مؤسسه پذیرفته میشوند، وجایب و مکلفیت هایی را برای همکاری با سایر دول بمنظور تقویة صلح جهانی و منظوقوی و رعایت اصول و مرامهای منشور ملل متحد می پذیرند، از قبیل عدم استعمال قوه و یا تهدید به استعمال قوه بر علیه استقلال سیاسی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور دیگر، عدم مداخله در امور داخلی کشور دیگر، حل مسالمت آمیز اختلافات ذات البینی با همسایگان و دول دیگر، رعایت اصول مربوط به احترام به حقوق و آزادی های فردی و بشری مردم و امثال آن .

پالیسی ها و اقدامات هر دو کشور اسرائیل و پاکستان در اکثر موارد با این اصول اساسی مغایرت داشته است.

۴- گروه های تروریستی مربوط اسرائیل (البته قبل از تشکیل اندولت)، اعمال تروریستی وحشتناکی را مرتکب شده اند که بعداً به تفصیل آن می پردازیم . اما گروه های دهشت افکن و تروریستی متعددی که بعد از تشکیل دولت پاکستان از طرف حکومت پاکستان و سازمان جنایتکار استخبارات نظامی ان یعنی (آی-اس-آی) بوجود آمده و توسط آنها تمویل - تربیه و تجهیز می گردند جنایات عظیم ضد بشری را در منطقه، خصوصاً در افغانستان مرتکب شده و می شوند، در حالیکه مقامات دولت پاکستان هر نوع داشتن را درین اعمال با پررویی تمام پیوسته رد کرده اند.

۵- اسرائیل و پاکستان هر دو با دنبال نمودن سیاست های تجاوزکارانه و توسل به استعمال قوه متهم هستند که اصول بین المللی را زیر پا نموده (جرائم جنگی) و (جنایات علیه بشریت) را مرتکب شده اند که در قسمت بعدی این نوشته به تفصیل این موضوع پرداخته شده است.

قسمت باقیمانده این نوشته را به داخل دو عنوان ذیل دنبال می نمایم:

- تشکیل دولت اسرائیل و پیامد های ناگوار آن:

- تشکیل دولت پاکستان و پیامد های ناگوار آن:

- تشکیل دولت اسرائیل و پیامد های ناگوار آن:

تاریخ جهان شاهد است که یهودیان تا قبل از تاسیس دولت موجوده اسرائیل در سال ۱۹۴۷، در ادوار مختلفه تاریخ بشکل بیوطن و پراکنده ولی اقلیت های نهایت متحد و فعال در کشور های مختلف اروپایی و سایر نقاط جهان زندگی میکردند. این اقلیت های یهودی همیشه برای حفظ، دوام و رشد فرهنگ شان فعالانه و متحدانه تلاش و مبارزه نمودند.

مؤسس و بنیانگذار مفکوره و ایدیولوژی (صیهونیزم) یا (زایونیزم) برای تشکیل یک دولت جداگانه یهودیان جهان (اسرائیل)، یکنفر ژورنالیست یهودی هنگری الاصل آلمانی بنام (تیودور هرتزل) بود که با نشر کتاب معروف خویش بنام (دولت یهودیان) در سال ۱۸۹۶ تهداب ایدیولوژی افراطی

(صیهونیزم بین المللی) را گذاشت. (هرتزل) درین کتاب خود دلایل تاریخی و سیاسی را بزعم خودش برای تشکیل دولت یهودیان یا (اسرائیل) ذکر نموده، همه یهودیان جهان را برای دفاع و تحقق این مفکوره دعوت می نماید.

با وجود تلاش های یهودیان و دایر نمودن (کنگره های صیهونیستی) متعدد در کشور های اروپایی از آنجمله در لندن در سال ۱۹۱۲، قدم اساسی و اصلی برای تشکیل دولت اسرائیل در خاک فلسطین، وقتی برداشته شد که دولت انگلیس با صدور اعلامیه معروف (بالفور) بتاريخ دوم نوامبر سال ۱۹۱۷ برای اولین بار و بطور رسمی، پشتیبانی همه جانبه سیاسی - مالی و سترا تیژیک خویش را از تشکیل یک دولت جدید بنام (اسرائیل)، در سرزمین فلسطین اعلام نمود. باید متذکر شد که نام این اعلامیه از نام وزیر خارجه وقت برطانیه (آرتر جیمز بالفور) که یکی از هواخواهان سرسخت و فعال ایدیولوژی (صیهونیزم) و تشکیل دولت اسرائیل بود گرفته شده است.

باید یاد آور شد که قبل از میان آمدن ایدیولوژی افراطی (صیهونیزم) و تشکیل دولت اسرائیل، یهودیان بومی سرزمین فلسطین و عرب های فلسطینی در طول قرنهای باهم زندگی عادی مسالمت آمیز را دنبال می نمودند ولی طوریکه میدانیم متأسفانه با تشکیل دولت اسرائیل فلسطینی ها از خانه و کاشانه اجدادی شان رانده شده به پناه گزینان آواره

و بی وطن دائمی تبدیل شدند که امروز به اساس احصایه مؤسسه ملل متحد تعداد شان به پنج میلیون نفر میرسد. البته آنچه از فلسطینی ها بیکه که در منطقه (غزه) و (غرب اردن) باقیمانده اند با شکنجه، کشتار و مظالم روزمره دولت اسرائیل مواجه اند.

حکومت اضلاع متحده امریکا نیز در مراحل مختلفه قبل از تشکیل (دولت اسرائیل)، بیطرف نبود بلکه فعالانه در هم آهنگی با دولت برطانیه در راه تأسیس دولت اسرائیل مساعی به خرچ میداد؛ چنانچه دولت امریکا در سال ۱۹۳۲ کمیته خاص و با صلاحیتی را بنام (کمیته فلسطین) تأسیس نمود که برای مدت پانزده سال به طرفداری (تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین) فعالیت نمود تا بالاخره بعد از تشکیل دولت اسرائیل ضرورت به دوامش نبود و منحل گردید.

امروز حکومت امریکا (جمهوریخواهان و دموکراتها)، طرفدار سر سخت دولت اسرائیل بوده و با آن دولت مساعدت های بیدریغ سیاسی - مالی - اقتصادی - نظامی نموده، باهم همکاری های نزدیک ستراتیژیک دارند. حکومت امریکا البته گاهگاهی موضوع (تشکیل دو دولت جداگانه اسرائیل و فلسطین) را در ارتباط به راه حل احتمالی منازعه (اسرائیل - فلسطین) که بر مواد فیصله نامه مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۴۷ شورای امنیت ملل متحد، متکی است در چوکات تشریح پالیسی خویش در شرق میانه یاد می کند ولی متأسفانه از ترس عکس العمل منفی حکومت اسرائیل جرأت تاکید آنرا ندارد.

قبلاً متذکر شدیم که اسرائیل و پاکستان هر دو به ارتکاب (جرائم جنگی) و (جنایات علیه بشریت) متهم هستند. درین قسمت در اول به سهم اسرائیل در ارتکاب این جنایات می پردازیم:

نقش اسرائیل در ارتکاب (جرائم جنگی) و (جنایات علیه بشریت):

۱- حد اقل دو نفر از سیاستمداران معروف اسرائیل که بعداً پست های صدارت را نیز اشغال نمودند قبلاً سر دسته گروه های تروریستی و دهشت افکن بنام (هه-گه-نه - ایرگون - و لیهی) بودند. این سیاستمداران نامدار اسرائیلی قبل از رسیدن به پست های صدارت در ارتکاب و به راه انداختن یکتعداد اعمال تکان دهنده تروریستی که با عث کشته شدن و زخمی شدن صد ها بیگناه گردید، دست داشته اند.

یکی ازین دو سیاستمدار معروف با سابقه دهشت افکنی (مناخیم بیگن) صدر اعظم مشهور اسرائیل بود که مؤسس حزب افراطی دست راستی (لیخود) اسرائیل و شخصی بود که موافقات معروف (کمپ دیوید) را به میانجی گیری (جیمی کارتر) رئیس جمهور وقت امریکا با انورالسا دات رئیس جمهور فقید مصر بتاريخ ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۷۸ در ایالت (مریلند) امریکا امضاء نمود. موافقات مذکور البته حاوی (معاهده صلح) بین مصر و اسرائیل نیز بود.

قبل از تشکیل دولت اسرائیل و رسیدن به مقام صدارت، (مناخیم بیگن) رهبرگروه تروریستی اسرائیلی بنام (هه - گه - نه) بود که بتاريخ ۲۲ جولای ۱۹۴۶ با گذاشتن بم و مواد انفلاقی در هتل معروف بیت المقدس بنام (کینگ دیوید)، با عث تخریب قسمت زیاد هتل و کشته شدن ۹۱ نفر و زخمی شدن ۴۶ نفر بیگناه از کسانیکه در آن ساعات در هتل مذکور اقامت داشتند، گردید. باید گفت که قرارگاه اداری - نظامی اداره (قیمومیت) برطانیه برای فلسطین، درین هتل قرار داشت.

۲ - قتل عام آوارگان فلسطینی یکسال بعد از تاسیس دولت اسرائیل، در منطقه (دیر یاسین).

شهر بیت المقدس توسط گروپ های مسلح اسرائیلی بتاريخ ۱۹ اپریل سال ۱۹۴۸ که در آن ۱۰۷ نفر آوارگان بیگناه فلسطینی بشمول اطفال و زنان کشته شدند.

۳- قتل عمدی میانجی و نماینده خاص و معروف شورای امنیت ملل متحد برای فلسطین بنام (فولک برنادوت) بتاريخ

۱۷ سپتامبر سال ۱۹۴۸ توسط ایجنت های مسلح حکومت جدیدالتشکیل اسرائیل مربوط گروپ تروریستی (لیبی)، شاخه ای از گروه تروریستی (ایرگون) به رهبری (ادهاک شمیر)، بعداً صدر اعظم اسرائیل در بیت المقدس. قتل نماینده خاص و میانجی ملل متحد آقای (فولک برنادوت) که یکی از اشرافیان و نجیب زادگان سویدن بود، روابط اسرائیل و سویدن را تاسالهای دهه نود به نحوی تیره ساخته بود. درین حال مقامات دولت اسرائیل هرگز حاضر نشدند تا قاتلین ویرا افشاء، محاکمه ویا مجازات نمایند زیرا سیاست مداران عالیرتبه اسرائیل بشمول (ازهاک شمیر)، در آن دست داشتند.

۴- کشتار دسته جمعی و بیرحمانه در حدود ۷۶۲ تا ۳۵۰۰ نفر از آوارگان فلسطینی، بشمول زنان و اطفال در کمپ های آنان بنام (صبرا) و (شتیلا) در جنوب لبنان در ماه سپتامبر سال ۱۹۸۲ به امر و هدایت وزیر دفاع وقت اسرائیل، (ایرل شارون) که بخاطر کرکتر بیرحمش بنام (بولدوزر) شهرت یافته بود. کشتار و قتل عام مظلومین فلسطینی در دو کمپ متذکره بدون شک توسط افراد نظامی اردوی اسرائیل صورت گرفت، درحالیکه حکومت اسرائیل ارتکاب این جنایت هولناک را کار ملیشه های (فیلانجست) لبنان دانست؛ ولی باتوجه به اسناد و شواهد در صحنه های تکانهنده این (جنایت آشکار علیه بشریت) و اینکه افراد اردوی اسرائیل قبلاً به بهانه جستجوی (مبارزین مسلح فلسطینی) در داخل این کمپ ها حضور داشتند. این ادعای حکومت اسرائیل کاملاً دور از حقیقت است.

۵- تجاوزات مکرر نظامی و بمبارانهای وحشیانه و بدون تبعیض اردوی اسرائیل بر علیه غزه) و ساکنین ملکی آن، خصوصاً بعد از آنکه گروپ فلسطینی (حماس) قدرت سیاسی را در آن منطقه بدست گرفته است، خسارات مالی و جانی بیشماری را برای ساکنین ملکی (غزه) بار آورده است. در نتیجه این تجاوزات بیرحمانه اسرائیل، امکانات و وسایل ابتدایی زندگی برای باشندگان (غزه) نهایت محدود ویا کاملاً ازبین رفته است درحالیکه محاصره اقتصادی (غزه) توسط اسرائیل همچنان ادامه دارد. به اساس تخمین های ملل متحد اگر محاصره اقتصادی غزه توسط اسرائیل ادامه یابد (غزه) در مدت چند سال آینده بدون سکنه خواهد شد.

در حالیکه در نتیجه تجاوزات نظامی و بمبارانهای متعدد و وحشیانه قوای هوایی اسرائیل در طول چند سال گذشته هزاران باشندنده بیگناه فلسطینی (غزه)، بشمول اطفال و زنان حیات خود را از دست داده و یا زخمی و ناتوان دایمی شده اند؛ بطور نمونه تنها تلفات ملکی بمبارد مان های ماه جولای سال ۲۰۱۴ اسرائیل بر منطقه (غزه) را ذکر مینمایم که در حدود یکهزار نفر باشندده ملکی بود. این حالت البته دوام (جنایات جنگی) اسرائیل بر علیه مردم فلسطین بشمار می آید.

تشکیل دولت پاکستان و پیامد های ناگوار آن:

قبلاً مطالبی را در مورد نقش و پلانهای استعماری دولت برطانیه برای تشکیل دولت پاکستان بشکل مقدمه ذکر کردم، درین قسمت به تشریح و بیان بیشتر این نقش در تجزیه نیم قاره هند و تشکیل دولت پاکستان می پردازم:

دربحث (وجوهات مشترک اسرائیل و پاکستان) به این مطلب اشاره کردم که چطور دولت استعماری وقت برطانیه از طریق سیاسی ساختن ویا بهره برداری سیاسی از دین مقدس اسلام و عقاید مذهبی باشندگان نیم قاره هند، پلانهای استعماری خویش را برای تقسیم نیم قاره و تشکیل دولت جدیدی بنام پاکستان در عمل پیاده نمود. درین قسمت به تفصیل بیشتر این موضوع می پردازیم:

بنظر این قلم دولت برطانیه بمنظور تامین منافع و نیازمندی های آینده استعماری خویش در نیم قاره هند و این منطقه آسیا، پلان های در دست داشته خود را در چوکات اقدامات آتی بمرحله اجراء گذاشت:

۱- توسل به همه امکانات و تاکتیک ها برای فرو نشاندن و سرکوبی مبارزات وسیع آزادیخواهی مردمان هند برهبری (مهاتما گاندی) و حزب کانگرس هند که متکی بر اصل (ساتیاگراها) یا (عدم تشدد) بود.

۲- مساعدت و پشتیبانی همه جانبه سیاسی و مالی از تاسیس حزب تجزیه طلب نامنها د (مسلم لیگ) .

۳- تقویه و بهره برداری از عوامل دینی - سیاسی و اجتماعی موجود در نیم قاره برای تجزیه (نیم قاره هند) و تشکیل دولت جدیدی بنام (پاکستان) .

دربالا گفتیم که دولت برطانیه از تاسیس حزب (مسلم لیگ) که با اهداف دولت مذکور برای تقسیم نیم قاره هند مطابقت داشت، پشتیبانی همه جانبه نمود. درین زمینه با یکنفر محصل بنام (محمد علی جناح) متولد شهر کراچی که در لندن در رشته حقوق تحصیل می نمود تماس نزد یک بر قرار نمود. ادامه این تماس ها با مقامات رسمی دولت بر طانیه بحدی رسید که زمینه تماس های وی با (لارد مونت بیتن)، کاکای الیزابت دوم، ملکه موجوده انگلستان فراهم ساخته شد. برقراری چنین تماسهای نزدیک بین یک محصل عادی و (لارد مونت بیتن)، آخرین و ایسرای اشرافی و پر قدرت انگلیس در هند) قابل دقت است.

در آن سال های بحرانی و خونین در نیم قاره هند بر قراری چنین تماس های نزدیک بین یک محصل و مقامات عالیرتبه انگلیس، البته نقش سازمان های استخباراتی بر طانیه را در جذب محصل مذکور یعنی (محمد علی جناح) که بعداً به (قاید اعظم) شهرت یافت، برای پیشبرد اهداف استعماری بر طانیه از احتمال بعید نمی سازد.

محمد علی جناح از آغاز جوانی چندان علاقمند به دین اسلام و مسایل دینی نبود، بلکه دریک مکتب (تبلیغی های مسیحی) در ایالت (سند) بحیث شاگرد درس میخواند. از همین مدرسه مسیحی بود که مقامات انگلیس بورس تحصیلی را در انگلستان، در رشته حقوق بدسترس وی گذاشتند.

(محمد علی جناح) به این عقیده بود که (هندو و مسلمان نمی توانند دریک کشور واحد زندگی کنند). نامبرده بزعم خودش از سرنوشت مسلمانان هند دریک کشور مستقل واحد و آزاد هند با قانون اساسی متکی بر جدایی دین و دولت یا (سکیولاریزم)، هراس داشت؛ ولی حقیقت اینست که نامبرده اصلاً (امتیازات و موقعیت) خود را دریک کشور واحد و مستقل هند آینده درخطر میدید.

داکتر (عبدالکلام آزاد) یکی از رهبران نامدار مسلمان مبارزات آزادی خواهی هند خطرات تشکیل پاکستان را بر مبنای بهره برداری سیاسی از دین اسلام، چنین هوشدار داده بود: "تشکیل دولت پاکستان از طریق سوء استفاده از دین اسلام و عقاید مذهبی، عواقب وخیمی را در آینده برای صلح منطقه و جهان بوجود خواهد آورد!" مشاهده میفرمایید که پیش گویی این شخصیت برجسته مسلمانان هند در مورد پاکستان تا چه اندازه درست بوده است. محمد علی جناح در سال ۱۹۴۰، در جلسه حزب نام نهاد (مسلم لیگ) تشکیل دولت پاکستان را پیشنهاد نمود ولی قطع نامه مربوط به این پیشنهاد دوسال بعد یعنی در سال ۱۹۴۲ در جلسه (حزب مسلم لیگ) به تصویب رسید.

نقش پاکستان در تروریسم و ارتکاب (جرائم جنگی):

نقش پاکستان در تروریسم و ارتکاب (جرائم جنگی) درست از همان سال تاسیس پاکستان یعنی سال ۱۹۴۷ آغاز یافته و تا حال به اشکال مختلف ادامه دارد. در حقیقت پاکستان و پالیسی های ویرانگر و دوگانه آن یکی از (عوامل عمده بی ثباتی و بی امنیتی) در منطقه است.

بیان نقش پاکستان و سازمان مخوف و جنایت کار استخبارات نظامی آن (آی-اس-آی) در عملیات دهشت افگنی و تروریستی آنقدر طولانی است که در این نوشته مختصر نمی گنجد، بنابراین برای اختصار کلام فقط از یکعده سازمان های تروریستی (ساخت پاکستان) یاد آور می شویم. درحالیکه حکومت پاکستان با پررویی تمام از هرگونه دست داشتن در تأسیس این گروه های تروریستی و عملیات خونین دهشت افگنی آنها انکار نموده و می نماید.

۱- تأسیس مصیبت بار و خونین دولت پاکستان برهبری (محمد علی جناح) و حزب (مسلم لیگ) وی که با عث (تجزیه هند) و کشته شدن بی موجب (یک میلیون هند و مسلمان) نیم قاره هند و آواره شدن و بی خانمان شدن در حدود ۱۵-۱۰ میلیون هندو و مسلمان هند گردید.

۲- تأسیس - تربیه - تمویل - تجهیز و فراهم ساختن (پناهگاه های امن) برای گروه های تروریستی ذیل در داخل خاک پاکستان و استفاده از آنها برای بیشبرد اهداف سیاست خارجی برخلاف دستورات اسلامی (حسن همجواری)، اصول و مرام های منشور ملل متحد و نیز خلاف ماده (۴۷) میثاق های بین المللی مورخ ۱۲ اگست ۱۹۴۹ (ژینو) راجع به منع ایجاد و استخدام (مزدوران جنگی) توسط کشور های عضو (برای اهداف تخریبی و دهشت افگنی).

- گروه تروریستی (طالبان افغان) .

- گروه تروریستی (لشکر طیبه).

- گروه تروریستی (سپاه صحابه) .

- گروه تروریستی (جیش محمد).

- گروه تروریستی (جماعت دعوه).

- گروه یا گروه تروریستی (حقانی).

- گروه تروریستی (لشکر عمر) .

با وجود پالیسی (انکار های غیر صادقانه)، حکومت پاکستان مبنی بر اینکه در تأسیس، تربیه، تمویل و عملیات دهشت افگنی این گروه های افراطی تند رو هیچگونه دستی ندارد، اقلاً دونفر از رؤسای جمهور سابق پاکستان

یعنی (آصف علی زرداری) بتاريخ ۸ جولای سال ۲۰۰۹ و (پرویز مشرف) در ماه اکتوبر سال ۲۰۱۰ اعتراف کرده اند که (حکومت پاکستان در تاسیس، تمویل و تجهیز این گروپ های دهشت افکن دست داشته است). ازین گذشته آقای (حسین حقانی) سفیر سابق پاکستان در (واشنگتن) در کتاب خود بنام (خیالات واهی بزرگ) می نویسد: "پاکستان میداند یگانه وسیله ای که در اختیار دارد تا بتواند اهدافش را در افغانستان بشمول جلو گیری از دوستی نزدیک بین افغانستان و هند تأمین نماید، استفاده از تنظیم های ساخت خودش و سایر گروه های اسلامی است". وی علاوه می کند که: "حتی پیش از تهاجم شوروی سابق بر افغانستان حکومت پاکستان به تاسیس، تربیه، تمویل و تجهیز گروپ های تند رو اسلامی افغانستان مصروف بود".

۳- حمله تروریستی به (پارلمان هند) در دهلی جدید در سال ۲۰۰۱ که در آن بیشتر از ۱۰۰ نفر بیگناه ملکی کشته شدند و حکومت هند بدون تردید آنرا کار گروپ های تروریستی وابسته به حکومت پاکستان و (آی - اس - آی) دانست.

۴- حمله تروریستی سال ۲۰۰۸ تا سطرده نفر دهشت افکن مربوط به گروه تروریستی (لشکر طیبه) ساخت پاکستان به یک تعداد تاسیسات عمده شهر مومبای هند از قبیل دو هتل زیبای (اوبیرای) و (تاج محل) و ستیشن عمده ریل که در آن ۱۷۲ نفر بیگناه ملکی کشته شدند.

۵- حمله تروریستی سال ۲۰۰۸ به سفارت هند در کابل توسط افراد وابسته به گروپ های تروریستی ساخت پاکستان و (آی - اس - آی) که در آن در حدود هفتاد نفر بیگناه ملکی بشمول یکتعداد دیپلمات های هندی و افغانها بی که برای اخذ ویزه هند پیشروی سفارت صف بسته بودند حیات خود را از دست دادند.

۶- تهاجم نظامی وحشیانه اردوی منظم پاکستان بتاريخ ۲۵ مارچ سال ۱۹۷۱ بر علیه (بنگله دیش - سابق پاکستان شرقی) در دوران دیکتاتور نظامی وقت پاکستان (جنرال یحیی خان) برای سرکوبی جنبش آزادیخواهی مردم بنگله دیش به رهبری (مجیب الرحمن) رهبر حزب (عوامی لیگ بنگله دیش). در نتیجه این تهاجم وحشیانه اردوی پاکستان بر علیه مردم مسلمان بنگله دیش در حدود سه صد هزار افراد ملکی بشمول شاگردان، استادان و محصلین پوهنتون، نویسندگان معروف و هنر مندان بنگله دیش، توسط عساکر اردوی مهاجم پاکستان هد فمندانه و با بیرحمی کشته شدند. در جریان عملیات نظامی، عساکر بی مروت اردوی پاکستان به لیلیه های دخترانه (پوهنتون داکه) حمله کرده (صد ها محصل) دختر پوهنتون داکه را بی سیرت و مورد تجاوز جنسی قرار دادند. جریانات غم انگیز و تکا ندهنده عملیات و وحشیانه اردوی پاکستان را در برا بر محصلات (پوهنتون داکه) شخصاً از زبان رییس هیأت (بنگله دیش) در سال ۱۹۷۸ در جریان جلسات (کمسیون حقوق بشر ملل متحد) در (ژنیو) که من نیز افتخار نمایندگی کشور عزیزم را در جلسات مذکور به عهده داشتم، ضمن یک ملاقات خصوصی شنیده ام.

در جریان صحبت نامبرده که قبلاً یکی از مامورین عالیرتبه کشورش بود و در مورد جنایات اردوی پاکستان در (بنگله دیش) برایم تشریحات میداد متوجه شدم قطرات اشک وی از زیر عینک برویش سرازیر گردید. خوشبختانه زمانیکه اردوی هند در وقت زمامداری (میرمن اندیرا گاندی) نخست وزیر هند بطرفداری (جنبش آزادی خواهی مردم بنگله دیش) بر علیه اردوی متجاوز پاکستان داخل جنگ گردید اردوی پاکستان در مدت کوتاه در برابر

اردوی هند شکست ننگین خورده به تعداد نود هزار عسکر پاکستانی به قو ماندانی (جنرال نیازی) دو دسته با همه سلاح های شان به اردوی هند تسلیم شدند وبنگله دیش نیز در نتیجه، در صف دول آزاد جهان علاوه گردید.

۷- نقش خاینانه حکومت پاکستان و سازمان جنایتکار اسخبارات نظامی (آی - اس - آی) در تشکیل، تمویل و تجهیز (تنظیم های ماورای جهاد) که همه بر خلاف (اهداف والای جهاد) و وحدت ملی افغانستان بر اساس قوم، زبان، مذهب و منطقه بمیان آورده شدند و عاملین اصلی (جنگهای تنظیمی کابل)، (ارتکاب جنایات جنگی) و کشتار بیش از ۶۵ هزار باشندگان بیگناه کابل و ویرانی ها و بد بختی های بی پایان مردم افغانستان هستند که تا حال ادامه دارد. (اختطاف جهاد) بر حق مردم افغانستان و ادامه قدرت سیاسی و نظامی تنظیم های جنایتکار و منفور (ماورای جهاد) و پیروان بی رسالت و بی کفایت آنها، فقدان یک حکومت ملی با رسالت ملی، ادامه (دموکراسی لجام گسیخته وارداتی) در کشور، ملت مظلوم افغانستان را به بدبختی ها و بی سر نوشتی هایی کشانیده است که در تاریخ کشور کمتر سابقه دارد.

یک انکشاف ناراحت کننده جدید در تحولات غم انگیز و رقت بار سیاسی و امنیتی افغانستان اعلام موجودیت شورای نام نهاد (حراست و ثبات) توسط چهره های منفور و معلوم تنظیم های رسوای (ماورای جهاد) بتاریخ ۱۸ دسامبر سال جاری در کابل است که بدون شک روی (اهداف شخصی و تنظیمی) بنا شده است نه حراست از کشور ویران و مردم بی سرنوشت و در بدر ما.

اگر کدام حکومت ملی با رسالت، کفایت و اهلیت متکی بر شایسته سالاری درین مدت چهارده سال در افغانستان وجود میداشت و میتوانست (جنایتکاران جنگی) را به میز محاکمه کشانیده (پروژه عدالت انتقالی) را بمرحله اجراء بگذارد، ما امروز شاهد چنین پراگندگی ها، خود سری ها و اعلام چنین (شوراهای تنظیمی و غیر ملی) نمی بودیم. در اخیر این نوشته امیدوارم عمارت جدیدیکه به کمک ۲۲۰ میلیون دالر مساعدت دولت هند برای پارلمان آینده افغانستان اعمار و اخیرا توسط رهبران هردو کشور کشایش یافت، محل تجمع نمایندگان و قانونگذاران واقعی مردم افغانستان باشد، نه محل اجتماع مرتکبین جنایات جنگی، قاچاقبران، اعضای باند های مافیای اقتصادی یا غاصبین زمین و دارایی های عامه.

بجا خواهد بود تا به این عمارت زیبا بحیث (سمبول) برجسته دوستی نزدیک و همکاری های سازنده و بی شایبه بین (مردم افغانستان و هند) دیده شود، با المقابل ویرانه های غم انگیز عمارت پر شکوه (قصر دارالامان) که در چند قدمی آن قرار دارد و توسط تنظیم های جنایتکار (ساخت پاکستان) ویران و به این حالت زار رسانیده شده است بحیث (سمبول دردناک) نقش ویرانگر و مداخله گرانه حکومت پاکستان در افغانستان برای نسل امروز و فرای کشور باقی بماند

ایالت ورجنیا - اضلاع متحده امریکا

پایان